بررسی جنایت علیه بشریت و جرم انگاری آن در حقوق بین الملل کیفری و قوانین ایران

سارا جمشیدی[1]

چکیده

جنایات علیه بشریت اعمال مشخصی هستند که علیه یک جمعیت غیر نظامی در زمان جنگ یا صلح انجام می‌شود. جنایت علیه بشریت مفهوم وسیعی دارد حتی وسیع‌تر از نسل‌کشی که همان ژنوسید است. موضوع این جنایات، نابودی یک گروه یا جمعیت خاصی نیست بلکه هدف بیشتر بر آزار و اذیت آن‌ها متمرکز شده است. از جمله این جنایات به بردگی گرفتن افراد، انواع شکنجه و تجاوز جنسی، اقدامات غیر انسانی، قتل و کشتار، مجازات‌های غیر قانونی و ... را می‌توان نام برد. موارد نامبرده هر کدام واجد وصف مجرمانه است اما آنچه تأثرآور است این است که این جنایات در پیشرفت سیاست دولت‌های مختلف نقش داشته باشد. یک جنایت وسیع که در هر زمانی واقع گردد چه در زمان جنگ و چه صلح به عنوان بخشی از یک حمله گسترده علیه غیر نظامیان جهت پیشبرد اهداف دولت‌ها می‌باشد. وجود جنایت علیه بشریت با هدف مقابله با جمعیت غیر نظامی تحقق می‌یابد اما وقوع جنایتی هر چند غیرانسانی علیه یک فرد، موجب شکل‌گیری جنایت علیه بشریت نیست، در عین حال واژه جمعیت به این معنا نیست که کل جمعیت یک سرزمین یا حتی یک کشور تحت تأثیر این حمله باشد. در این نوع از جنایات تابعیت شخص قربانی و مرتکب، تأثیری در به وجود آمدن و شکل‌گیری جرم انجام شده ندارد. در قوانین ایران اصلاح «جنایت علیه بشریت» به صورت صریح استفاده نمی‌شود اما برخی مفاهیم مشابه مانند قتل عمدی، شکنجه، آزارهای غیر انسانی تحت عناوین مجرمانه مختلف در قانون مجازات اسلامی مطرح شده‌اند. جنایت علیه بشریت به طور مستقیم به عنوان یک جرم مستقل در قوانین داخلی تعریف نشده است و با این حال، ایران در برخی از اسناد بین‌المللی به جنایت علیه بشریت اشاره کرده است و تعهداتی را در این زمینه پذیرفته است.

کلید واژه‌ها: جنایت علیه بشریت، حقوق کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری ایران، سازمان ملل متحد.

---

[1]. دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
sara.jamshidi@iau.ir

مقدمه

جنایت دامنه وسیعی دارد و اقسام و گونه‌های مختلفی را در خود جای می‌دهد. جنایات علیه بشریت با مفاهیم گسترده در منابع مختلفی تعریف شده است. جنایت علیه بشریت ابتدا در دادگاه نورنبرگ به عنوان یک اتهام حقوقی بیان شد. از آن زمان تا کنون، دادگاه‌های بین‌المللی دیگری مانند دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین دادگاه‌های داخلی کشورها، اتهام جنایت علیه بشریت را مورد بررسی قرار داده‌اند. موازین حقوقی جنایت علیه بشریت تا به امروز در قالب یک معاهده بین‌المللی گردآوری نشده اما طی سال‌های اخیر تلاش‌هایی در سطح بین‌المللی برای گردآوری چنین معاهده‌ای انجام شده است. اما از جمله اسنادی که تعاریف گوناگونی در مورد جنایات علیه بشریت ارائه نموده‌اند می‌توان به اساسنامه دادگاه توکیو، اساسنامه دادگاه نورنبرگ، اساسنامه دادگاه بین‌المللی (ماده ۳) و کمیسیون حقوق بین-الملل ۱۹۹۶ در مورد قواعد مربوط به جنایات ضد امنیت و صلح بشری در ماده ۱۸ اشاره کرد.

تمام دولت‌های جهان وظیفه دارند با توجه به تعهدات بین‌المللی خود، جنایات علیه بشریت را جرم دانسته و متهمان را مورد مجازات قرار دهند. بررسی جنایت علیه بشریت در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به موجب بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان تنها مشتمل بر آن دسته از جنایات بیان شده که به عنوان بخشی از حمله گسترده با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیر نظامی ارتکاب می‌یابد که این موارد در راستای یکدیگر شرایط به وجود آمدن این جنایت بزرگ را شکل می‌دهند. از جمله؛

الف- قتل

ب- نابودسازی (ریشه‌کنی)

پ- برده‌سازی

ت- اخراج یا انتقال اجباری

ه- محرومیت شدید از آزادی جسمانی یا به تعبیر دیگر حبس.

ث- تجاوز جنسی که شامل فحشاء اجباری، برده‌گیری جنسی، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری یا هر نوع از خشونت جنسی دیگر در همان سطح.

ج- شکنجه

چ- اذیت و آزار و تعقیب هر گروهی از افراد با توجه به علل‌های نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی که در بند ۳ مشخص گردیده یا به دلایل دیگری در سطح جهان بر اساس قوانین بین‌المللی در ارتباط با هر یک از اعمالی که در این بند یا هر جرم دیگری که در محدوده صلاحیت این دادگاه باشد به عنوان یک عمل غیر مجاز به رسمیت شناخته شده باشد.

ح- ناپدید شدن اجباری افراد.

خ- جنایت نژادپرستی

د- دیگر اعمال غیرانسانی با خصوصیاتی شبیه که به قصد وارد کردن دردی عمدی و رنجی شدید یا آسیب رساندن جدی به بدن یا سلامت جسمی یا روانی افراد انجام شود.

حقوق کیفری بین‌المللی شاخه‌ای از حقوق بین‌المللی است که جنبه کیفری دارد و موضوع آن جرم‌های بین‌المللی است. حقوق بین‌الملل کیفری بخشی از قواعد بین‌المللی به منظور جلوگیری از دسته‌های خاصی از جرائم جدی و پیگرد قانونی مرتکبین این جرائم است. دولت عمدتاً مرتکبین این نوع از جرائم هستند بنابراین بین‌المللی بودن این رشته خصوصیت ذاتی آن است. هدف اصلی حقوق کیفری بین‌المللی اتخاذ تدابیر بین‌المللی برای جلوگیری از بر هم خوردن نظم عمومی بین‌المللی و حتی مجازات کسانی که باعث بر هم زدن این نظم می‌شوند. با تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی و پیوستن تعداد بی‌شماری از کشورها به اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مباحث جدیدی در حقوق کیفری به وجود آمده است. در مورد جنایت علیه بشریت به این نکته مهم می‌توان اشاره کرد که این جنایات علیه انسانیت است و در مواردی برخی از اصول کلی را نقض می‌کند و موجب نگرانی جامعه بین‌المللی می‌شود. حقوق بین‌الملل کیفری ارعاب و سزادهی و ایجاد عدالت برای قربانیان را پیگیری می‌کند. در ایران در برخی از اسناد بین‌المللی به جنایات علیه بشریت اشاره کرده است اما در بسیاری از موارد، ایران انتقادهایی را نسبت به برخی از قوانین بین‌المللی و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی مطرح کرده و بر این باور است که این قوانین باید در چهارچوب احترام به فرهنگ و هویت‌های ملی مختلف تفسیر شوند.

۱- مفهوم‌شناسی جنایت علیه بشریت

با توجه به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایات علیه بشریت انجام هر یک از اعمال زیر به صورت گسترده یا سازمان‌یافته علیه گروهی غیرنظامی قتل، نابودسازی، برده‌سازی، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت، محبوس کردن یا دیگر اَشکال محرومیت شدید از آزادی جسمی که نقض کنندهٔ

مفاد اساسی حقوق بین‌الملل باشد مانند عقیم‌سازی اجباری، حاملگی اجباری، فحشاء اجباری، برده-کشی جنسی، شکنجه، تجاوز جنسی یا هر نوع خشونت جنسی دیگر در همان سطح می‌باشد. با بررسی در قوانین داخلی ایران می‌توان گفت جنایت قتل عمدی نیز جرم‌انگاری شده است. در حالی‌که انگیزه جرم‌انگاری در جنایت‌های علیه بشریت حمایت از منافع جامعه و اصول کلی حقوق مشخص است که مورد احترام جامعه بین‌الملل است (بیگی، عباس نژاد، عباسی،۱٤۰۱: ٤). به همین جهت گفته شده انعکاس جنایت علیه بشریت فراتر از مرزهای بین‌المللی است و شدت وحشی‌گری آن، خارج از حد قابل تحمل تمدن جدید است (پیران،۱۳۸۷ :۵۵). منظور از سازمان یافتگی نیز این است که حمله بر اساس یک «برنامه تنظیم شده» و برای رسیدن به «هدف خاصی» انجام شود، جنایت علیه بشریت شامل تهدید نسبت به صلح، امنیت و رفاه جهان طی یک حمله نظام‌مند یا گسترده به حقوق بنیادین بشری یک جمعیت غیر نظامی می‌باشد (ساعد، ۱۳۸۷: ٦٥).

۲- نگاهی به تاریخچه جنایات علیه بشریت

جنایت علیه بشریت، نخستین بار در دادگاه نورنبرگ به عنوان یک اتهام حقوقی عنوان شد. از آن زمان به بعد دادگاه‌های بین‌المللی دیگری مانند دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین دادگاه‌های داخلی کشورها، اتهام جنایت علیه بشریت را مورد بررسی و رسیدگی قرار داده‌اند. کشورهایی مانند فرانسه، انگلیس و روسیه جنایات علیه بشریت را برای اشاره به قتل عام ارامنه در ترکیه به کار بردند. اما قانون‌گذاری و موازین حقوقی جنایت علیه بشریت عمدتاً از طریق تکامل و پیشرفت حقوق بین‌الملل عرفی شکل گرفته است. جنایت علیه بشریت تا کنون در قالب یک معاهده بین‌المللی تدوین نشده است امّا طی سالیان اخیر تلاش‌هایی در سطح بین‌المللی برای تدوین چنین معاهده‌ای انجام شده است. عبارت «جنایت علیه بشریت» ممکن است کمی مبهم باشد زیرا کلمه «بشریت» هم می‌تواند معنای انسان (نوع بشر به طور کلی) بدهد و هم معنای انسانیت (فضیلت)، امّا تاریخچه شکل‌گیری عبارت نشان می‌دهد که معنای دوم مراد بوده است (لوبان دیوید، ۲۰۰٤).[1]

[1]. Luban, David.

۳- موارد استفاده جنایت علیه بشریت

۳-۱- اولین استفاده (دولت ترکیه)

پس از نسل‌کشی ارامنه دولت‌های متحد فرانسه، روسیه و بریتانیا در ۲٤ می ۱۹۱۵ موضوعی را برای اولین بار در مورد جنایت علیه بشریت مطرح کردند. بررسی صحت و سقم قتل عام ارامنه در حوزه تاریخ‌نگاری، امری دشوار است ولی غیرممکن نیست. این موضوع تبدیل به یکی از دشواری‌های تاریخ‌نگاری معاصر شده است و تأثیر عمیقی بر روابط ترکیه و ارمنستان و غرب بر جای گذاشته است. ارامنه معتقدند که نسل‌کشی و قتل عام گسترده علیه ارمنیان، در بحبوحه جنگ جهانی اول رخ داده و حکومت عثمانی رفتاری مشابه حکومت نازیسم آلمان، در قبال یهودیان، داشته است. از سوی دیگر، برخی مورخان ترک این موضوع را غیر واقعی و غیرتاریخی می‌دانند و آن را رد می‌کنند. دولت ترکیه با وجود پذیرش واقعه دردناک تاریخی، در قبال ارمنی‌ها در اثنای جنگ جهانی اول در امپراتوری عثمانی، از پذیرفتن این واقعه با عنوان نسل‌کشی خودداری کرده است. این دولت وجود سیاست سیستماتیک و عمدی، برای نابودی ارامنه را قبول ندارد. دولت ترکیه، جان باختن تعدادی از ارامنه در طول جنگ جهانی اول را به رسمیت شناخته است اما مدعی است که در این واقعه، ترک‌های مسلمان هم کشته شده و مورخان ارمنی، در بازتاب تعداد کشته‌شدگان ارمنی بزرگ‌نمایی کرده‌اند. دولت ترکیه مدعی است که این واقعه نتیجه خشونت‌ها و درگیری‌های گسترده قومی، در طول جنگ جهانی اول بود و ارامنه و ترک‌های عثمانی، هر دو، مسئول این واقع بودند (امیدی، رضایی،۱۳۹۲: ۲).

۳-۲- دادگاه نورنبرگ

مجموعه‌ای از دادگاه نظامی بود که پس از جنگ جهانی دوم توسط متفقین و تحت حقوق بین‌الملل و قوانین جنگ برگزار شد. نخستین و مهم‌ترینِ این دادرسی‌ها، دادرسی جنایتکاران جنگی مهم در دادگاه نظامی بین‌المللی بود. دسته‌بندی جنایت‌ها و ساختار دادگاه در این دادرسی‌ها، بعدها توسط سازمان ملل برای دادرسی جنایت‌های جنگی، جنایت علیه بشریت و تجاوز نظامی الگو قرار گرفت و پایه‌ای برای تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی شد. کیفرخواست‌های نورنبرگ، برای نخستین بار در حقوق بین‌الملل، "نسل‌کشی" را دربر می‌گرفت. ماده ششم منشور تصریح می‌کند که دادگاه به این منظور برگزار شده بود که مرتکبین جنایات جنگی را پیگیری کند. بخش اول تعریفی از جنایات علیه

صلح، قسمت دوم جنایان جنگی و بخش سوم جنایات علیه بشریت را عنوان می‌کند. در دادگاه نظامی در مورد جنایات آلمانی‌ها دادگاه نتوانست اظهارنامه کلی در مورد عمل آلمانی‌ها به همان کیفیت منشور ایجاد کند در حالی که این جنایات، همان جنایات علیه بشریت بود.

۳-۳- دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY)

دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق (ICTY) که در سال ۱۹۹۳ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تأسیس شد. نخستین دادگاه بین‌المللی پس از دادگاه‌های نورنبرگ بود که به طور رسمی به رسیدگی به جرایمی نظیر جنایت علیه بشریت پرداخت (سازمان ملل متحد:۱۹۹۳). مفهوم جنایت علیه بشریت نخستین بار در دادگاه نورنبرگ علیه رهبران نازی مطرح شد و ICTY دومین مورد مهم استفاده قضایی از این عنوان در سطح بین‌المللی در توسعه حقوق بین‌الملل کیفری و روشن‌سازی عناصر جنایت علیه بشریت ایفا کرد.

۳-٤- دادگاه بین‌المللی کیفری برای روآندا (ICTR)

دادگاه بین‌المللی کیفری برای روآندا (ICTR) در سال ۱۹۹٤ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد با قطعنامه ۹۵۵ تأسیس شد. هدف از ایجاد این دادگاه رسیدگی به جنایات نسل‌کشی و نقض‌های شدید حقوق بشر بود که در جریان نسل‌کشی روآندا علیه قوم توتسی وهوتوهای میانه‌رو رخ داد (شورای امنیت سازمان ملل متحد:۱۹۹٤). این دادگاه، نخستین دادگاه مرجع بین‌المللی بود که بعد از دادگاه نورنبرگ، افراد را به جرم نسل‌کشی محاکمه کرد و در حقوق بین‌الملل کیفری نقش مهمی ایفا نمود (مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری،۲۰۰۵). ICTR همچنین موجب تثبیت مفاهیمی چون مسئولیت فردی و پاسخگویی رهبران سیاسی در برابر جنایات بین‌المللی شد (اخوان، ۱۳۷۵: ٥٦٤).

۳-۵- سازمان ملل متحد و شورای امنیت ملی سازمان ملل متحد

سازمان ملل، بزرگ‌ترین، معروف‌ترین و قدرتمندترین سازمان بین دولتی در جهان است. اعضای این سازمان تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی می‌شود که از نظر قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. این سازمان در سال ۱۹٤۸ مسئول مجازات مرتکبین به جنایات علیه بشریت است و رسیدگی به پرونده‌های جنایت علیه بشریت است. دادگاه بین‌المللی جنایت و حق قانونی رسیدگی به

پرونده‌های سازمان ملل را موظف کرد که پس از این وظیفه، جنایت علیه بشریت را بر عهده گرفت بررسی این گونه مسائل را به این دادگاه ارجاع دهد زیرا سازمان ملل قدرت و اختیار قضایی رسیدگی به این پرونده‌ها را ندارد. پرونده اخیری که در این دادگاه مورد بررسی قرار گرفت به کشتار دارفور مربوط بود که در جریان رسیدگی به این پرونده عمرالبشیر رئیس جمهور قاضی جوزف، سودان به جرم نسل‌کشی مورد تعقیب قرار گرفت (نعمتی، ۱۳۹۹ :۱۲).

شورای امنیت یکی از ارکان‌های سازمان ملل متحد است که وظیفه پاسداری از صلح و امنیت بین-المللی و ایجاد محیطی امن برای زندگی و جلوگیری از نسل کشی را به عهده دارد. این اهمیت بدان دلیل است که شورای امنیت قادر است تصمیمات لازم الاجرایی در چارچوب منشور ملل متحد اخذ و تمامی دول عضو را متعهد به اجرای آن نماید.

۳-٦- اتحادیه اروپا

کمیسیون وزیران در سال ۲۰۰۲ به اعضای خود چنین اعلام کرد اعمالی مانند برده‌داری جنسی و حاملگی اجباری و هتک حرمت از زنان و دیگر روش‌های قهری جنسی که با حقوق بشر مغایرت دارند همانند جنایات علیه بشریت مجازات کنند. اعمال مجازات بر مرتکبان جنایات بین‌المللی یکی از مؤثرترین راه‌های جلوگیری از رفتارهای مجرمانه است (جاویدزاده،۱۳۹۰ :۱۸) و تنها وسیله واقعی اعمال مجازات، پیگرد قانونی استوار مطمئناً تنها فرایندی است که آرزوی پیشگیری از چنین جرایمی را در آینده محقق می‌سازد (رابرتسون، جعفری،۱۳۹۲ :۳٤۳).

۳-۷- جنایت علیه بشریت طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

بند اول ماده ۷، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مشتمل بر آن دسته از جنایات عنوان شده است که برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، «جنایت علیه بشریت» عبارت است از انجام هر یک از اعمال ذیـل به عنوان بخشی از یک حمله علیه یک گروه غیرنظامی که به شکل گسترده یا سازمان یافته صورت بگیرد، با اطلاع از حمله: قتل، نابودسازی، برده‌سازی، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت، محبوس ساختن یا دیگر اَشکال محرومیت‌زا شدید آزادی جسمی که نقض‌کننده مبادی اساسـی حقـوق بین‌الملل باشد، شکنجه، تجاوز جنسی، برده‌کشی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری و یا هر نوع خشونت جنسی دیگر در همان سطح؛ آزار و تعقیب یک گروه یا

جمعیت مشخص، به دلائل سیاسی، نژادی، ملـی، قـومی، فرهنگـی، مـذهبی، جنسی، به شرحی که در ۳ بند مشخص گردیده یا به دلایل دیگری در سطح جهان بر اساس قوانین بین‌المللی در ارتباط با هر یک از اعمالی که در این بند یا هر جرم دیگری که در حیطه صلاحیت این دادگاه باشد به عنوان یک عمل غیرمجاز به رسمیت شناخته شده باشد، ناپدید شدن اجباری افراد، جنایت نژادپرستی، دیگر اعمال غیر انسانی با خصوصیاتی مشابه که به قصد وارد آوردن عمدی درد و رنج شدید یـا آسـیب رساندن جدی به بدن یا سلامت جسمی یا روانی افراد صورت گیرد.

از آنجا که ماده ۷ مربوط به حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد و جرایم علیه بشریت به گونه‌ای که در ماده ۷ تعریف شده، از جمله جدی‌ترین جرایمی هستند که به جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل مربوط بوده، مسئولیت کیفری فردی را ایجاب می‌کند و متضمن آن می‌باشد و مستلزم رفتاری است که به موجب حقوق بین‌الملل عموماً قابل اعمال به گونه‌ای که توسط سیستم‌های حقوقی اصلی جهان شناخته شده، غیر مجاز می‌باشد.

ماده (الف)(۱)۷- قتل

۱- مرتکب یک یا چند شخص را کشته است و رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک جهت‌گیری شده است علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب یافته است.

ماده (ب)(۱)۷ - قلع و قمع

۱- مرتکب یک یا چند شخص را از جمله از طریق تحمیل شرایطی از زندگی که حسب محاسبه موجب نابودی بخشی از یک جمعیت خواهد شد، به قتل رسانیده است.

ماده (ج)(۱)۷- برده‌کشی

۱- مرتکب یک یا کلیه اختیارات متعلق به حق تملک یک یا چند شخص از قبیل خرید و فروش، قرض دادن یا معاوضه چنان شخص یا اشخاصی را از طریق تحمیل همگون محرومیت از آزادی بر آنان اعمال کرده است.

ماده (د)(۱)۷- تبعید یا انتقال اجباری جمعیت

۱- مرتکب یک یا چند شخص را به کشور یا محلی دیگر از طریق اخراج یا سایر اعمال وادار کننده بدون وجود موجبات مجاز طبق حقوق بین‌الملل، تبعید کرده یا با زور انتقال داده است.

ماده (ه)(۱)۷- زندانی کردن یا سایر محرومیت‌های شدید آزادی جسمانی

۱- مرتکب یک یا چند شخص را زندانی کرده و یا به نحو دیگری یک یا چند شخص را از آزادی جسمانی شدیداً محروم کرده است.

۲- وخامت رفتار به گونه‌ای بوده که آن رفتار ناقض قواعد اساسی حقوق بین‌الملل شده است.

۳- مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وخامت رفتار را موجب شده، آگاهی داشته است.

ماده (و)(۱)۷- شکنجه

۱- مرتکب درد و رنج جسمانی یا روانی شدید به یک یا چند شخص وارد کرده است.

۲- چنانچه شخص یا اشخاصی تحت‌الحفظ یا تحت کنترل مرتکب قرار داشته‌اند.

۳- چنانچه درد یا رنجی فقط از مجازات‌های قانونی ناشی نشده است، در ذات آن مجازات‌ها نهفته نبوده است و یا به تبع آن‌ها ایجاد نشده باشد.

ماده ۱- (ز)(۱)۷- تجاوز جنسی

۱- مرتکب به بدن شخصی از طریق رفتاری که نتیجه آن نفوذ، اگر چه جزئی از بدن قربانی یا مرتکب با مرتکب با عضوی جنسی، یا دبر یا قبل از قربانی با هر چیزی یا هر عضو دیگر بدن بوده، تجاوز کرده است.

۲- تجاوز با تهدید و زور یا استفاده از اجبار صورت گرفته است از قبیل تجاوزی که بر اثر ترس از خشونت، اجبار، بازداشت و .... ارتکاب یافته است.

ماده ۲- (ز)(۱)۷- بردگی جنسی

۱- مرتکب هر یک یا کلیه اختیارات متعلق به حق تملک یک یا چند شخص از قبیل خرید، فروش، قرض دادن یا معاوضه چنان شخص یا اشخاصی را از طریق تحمیل همگون محرومیت از آزادی بر آنان اعمال کرده است.

۲- مرتکب موجب شده که چنان شخص یا اشخاصی به یک یا چند عمل دارای ماهیت جنسی بپردازند.

ماده ۳- (ز)(۱)۷- فاحشه‌گری اجباری

۱- مرتکب با استفاده از زور و تهدید و اجبار موجب شده که شخص یا اشخاصی به یک یا چند عمل ماهیت جنسی بپردازند بدون رضایت شخصی.

۲- مرتکب یا شخص دیگر در ازاء یا در رابطه با اعمال دارای ماهیت جنسی مزایای مالی یا مزایای نوع دیگر کسب کرده یا انتظار می‌رفته که کسب کند.

ماده ٤- (ز)(۱)۷- حاملگی اجباری

۱- مرتکب یک یا چند زن را که به زور حامله شده‌اند، در حصر نگاه داشته با این قصد که بر ترکیب قومی یک جمعیت اثر نهد یا سایر موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل را به اجرا در آورد.

ماده ۵- (ز)(۱)۷- عقیم‌سازی اجباری

۱- مرتکب یک یا چند شخص را از توانایی تولید مثل زیستی محروم کرده است.

۲- رفتار نه به لحاظ معالجه پزشکی یا بیمارستانی شخص یا اشخاص مربوطه توجیه پذیر بوده و نه با رضایت واقعی صورت پذیرفته است.

ماده ٦ (ز)(۱)۷- خشونت جنسی

۱- مرتکب با استفاده از زور و تهدید و اجبار موجب شده که شخص یا اشخاصی به یک یا چند عمل ماهیت جنسی بپردازند بدون رضایت شخصی.

۲- چنان رفتاری دارای وخامتی قابل مقایسه با جرائم مندرج در ماده (ز)(۱)۷ اساسنامه بوده است.

۳- مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وخامت رفتار را موجب شده، آگاهی داشته است.

ماده (ح)(۱)۷- زجر دادن

۱- مرتکب بر خلاف حقوق بین‌الملل یک یا چند شخص را از حقوق اساسی شدیداً محروم کرده است.

۲- مرتکب چنان شخص یا اشخاصی را به دلیل هویت یک گروه یا جمع هدف‌گیری کرده، یا گروه یا جمع را بدان گونه هدف قرار داده است.

۳- هدف‌گیری مزبور بر دلایل سیاسی، نژادی، قومی، ملی، فرهنگی، مذهبی، جنسیت به گونه‌ای که در بند (۳) ماده ۷ اساسنامه تعریف شده است مبتنی بوده است.

ماده (ط)(۱)۷- ناپدیدسازی اجباری اشخاص

۱- مرتکب (الف) یک یا چند شخص را بازداشت کرده یا ربوده است، یا (ب) از پذیرفتن توقیف بازداشت یا ربودن، یا دادن اطلاعات در مورد سرنوشت یا مکان شخص یا اشخاصی خودداری کند.

ماده (ی)(۱)۷- تبعیض نژادی

۱- مرتکب یک عمل غیرانسانی علیه یک یا چند شخص مرتکب شده است.

۲- عمل مزبور عملی بوده که در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه درج شده یا عملی دارای ماهیتی مشابه هر یک از آن بوده است.

ماده (ک)(۱) ۷- سایر اعمال غیر انسانی

۱- مرتکب رنج بسیار یا آسیب جدی به بدن یا بهداشت روانی یا جسمی به وسیله یک عمل غیر انسانی وارد آورده است و از اوضاع و احوال آن آگاهی داشته است.

در تمام موارد بالا، عناصر زیر مشترک است:

۱- رفتار به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک جهت‌گیری شده است علیه یک جمعیت غیر نظامی ارتکاب یافته است.

۲- مرتکب می‌دانسته که رفتار، بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک جهت‌گیری شده علیه یک جمعیت غیر نظامی بوده، یا قصد آن بوده که بخشی از چنان حمله‌ای باشد.

٤- عناصر جنایت علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

٤-١- عنصر روانی

کسی‌که قصد ارتکاب جرم را دارد زمانی فعل او، جرم به شمار آید که باید با علم، اراده و اختیار ارتکاب شود؛ در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه روانی یا ارادی موجود باشد. بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر طبق حقوق بین‌الملل عرفی کیفری بیان می‌کند که مرتکب باید با «آگاهی» به جمعیت غیرنظامی حمله کند و لازم نیست که مرتکب از برنامه و یا سیاست کشور اطلاع داشته باشد. برای تحقق رکن معنوی جنایت‌های علیه بشریت اولاً لازم است مرتکب یکی از مصادیق گفته در بند یک ماده ۷ را با علم به وجود یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته نسبت به یک جمعیت غیرنظامی و ثانیاً از روی اراده انجام دهد (پوربافرانی،۱۳۹۱ :٢٦٤).

برای مقاصد به کار رفته در بند ۱:

الف) «حمله علیه یک گروه غیرنظامی»، مجموعه‌ای از اعمالی است که به دنبال و یا در ادامه سیاست یک دولت یا سازمان برای انجام چنین حمله صورت می‌گیرد و شامل ارتکاب مکرر اعمالی علیه جمعیت غیرنظامی می‌شود که در ۱ بند به آن اشاره گردید.

ب) «نابودسازی»، شامل تحمیل عمدی اوضاع و احوال زندگی از جمله محرومیت از دسترسی به غذا و دارو می‌باشد که به شکل و حساب قصد نابودسازی بخشی از جمعیت بشری صورت گیرد.

ج) «برده‌سازی» یعنی اعمال هر یک و یا کلیه اختیاراتی که مربوط به حق تصاحب یک فرد می‌باشد و شامل به کار گرفتن چنین اختیاراتی در طی قاچاق افراد، به ویژه زنان و کودکان می‌باشد.

د) «اخراج از کشور یا انتقال اجباری گروهی از مردم» یعنی جا به جا کردن اجباری افـراد مـورد بحـث از طریق اخراج یا اعمال مستبدانه دیگر، از ناحیه‌ای که قانوناً در آن حضور دارند، بدون هیچ گونه دلیلـی کـه در حقوق بین‌الملل مجاز شمرده شود.

هـ) «شکنجه» یعنی وارد آوردن عامدانه درد یا رنج شدید، چه جسمی و چه روانـی، بـر روی فـردی کـه در حبس به سر می‌برد یا تحت کنترل شخص متهم قرار دارد؛ با این تفاوت که شکنجه شامل درد یا رنجی نمی‌شود که صرفاً ناشی از مجازات‌های قانونی گردد، یا به صورت ذاتی یا تبعی در نتیجه این مجازات‌ها حاصل شود.

و) «حاملگی اجباری» یعنی محبوس نمودن غیرقانونی زنی که با اجبار حامله شده، به قصد تأثیر گذاشـتن در ترکیب قومی گروهی از مردم که توأم با موارد شدید نقض حقوق بین‌الملل باشد. این تعریف نباید به هیچ وجه به گونه‌ای تفسیر گردد که بر قوانین ملی مربوط به حاملگی تأثیر گذارد.

ز) «آزار و تعقیب» یعنی محروم ساختن عمدی و شدید یک گروه یا جمعیت از حقوق اساسی آنان برخلاف موازین حقوق بین‌المللی، به دلیل هویت گروهی یا جمعی ایشان.

ح) «جنایت نژادپرستی» یعنی اَعمال غیر انسانی با خصوصیاتی مشـابه بـا مـوارد مـذکور در یک بنـد کـه در چارچوب یک رژیم نهادینه شده سرکوب‌گر جو و سلطه توسط یک گروه نژادی بر یـک و یـا چنـدین گـروه نژادی دیگر به قصد ابقای آن رژیم صورت بگیرد.

ط) «ناپدید شدن اجباری افراد» یعنی دستگیری، بازداشت یا ربودن افراد، توسط یا با اجازه، حمایت یا موافقت یک دولت یا سازمان سیاسی و متعاقب آن، عدم اعتراف به محرومیت آنان از آزادی و امتناع از دادن اطلاعات راجع به سرنوشت و یا محل نگهداری آنان با قصد محروم ساختن از آن‌ها حمایت‌های قانونی برای مدت زمـان طولانی می‌باشد (اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ،۱۹۹۸). برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، واژه «جنسیت» به مفهوم اشاره به دو جنس مذکر و مؤنث با معنایی که در جامعه به کار می‌رود می‌باشد. واژه «جنسیت» بر هیچ‌گونه معنای متفاوت با آنچـه در فـوق ذکـر شـد، دلالت ندارد.

٤-۲- عنصر مادی

موارد زیر به جای عنصر مادی بودن، به عنوان مصادیق آن محسوب می‌شوند. برای تعریف عنصر مادی جرم جنایاتی که افراد در ذهن خود مرتکب می‌شوند هیچ‌گاه جرم تلقی نمی‌شود. به همین

جهت مجرد قصد و تصمیم برای وقوع یک جرم کافی نیست و به معنای ظهور پدیده مجرمانه در عالم واقع است (ماده٤١ ق.م.ا). پس عنصر مادی رفتارهایی است که بر اساس قانون جرم‌انگاری شده است. در مورد جنایت علیه بشریت بیشتر در مورد مصادیق آن به خاطر محدود بودن به کار می‌رود. عنصر مادی جنایت‌های علیه بشریت شامل: قتل، شکنجه، حبس، تجاوز جنسی به بردگی گرفتن، کوچ اجباری، عقیم‌سازی اجباری دیگر اقدامات ذکر شده در ماده ۷ اساسنامه می‌باشد. یکی از شرایط تحقق جنایت علیه بشریت لزوم وجود یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته می‌باشد (مؤمنی،۱۳۹۹ :۱۲۹).

عنصر سیاست؛ در حقوق بین‌الملل هیچ صحبتی از سیاست برای محدود کردن جنایت علیه بشریت نشده است و هر تعریفی در مورد جنایت علیه بشریت شده است کاملاً فاقد معیار سیاسی بوده است.

حمله گسترده؛ حمله رفتاری است شامل اقدامات خشونت‌بار البته حمله گسترده کاملاً متفاوت با حملات و جنایات سازمان‌یافته است. این اقدام شامل هر نوع بد رفتاری با جمعیت غیر نظامی می‌باشد.

جمعیت غیر نظامی؛ واضح است جنایت علیه بشریت به منظور مقابله با جمعیت غیر نظامی محقق می‌شود بنابراین جنایت علیه یک فرد به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته نمی‌شود اما کلمه جمعیت هم به معنی کل جمعیت کشور نیست و قابل ذکر است تابعیت قربانی و مرتکب هم در این جنایات اهمیتی ندارد. اما غیرنظامی به چه کسانی گفته می‌شود؟ چگونه می‌توان نظامیان را از غیرنظامیان تفکیک کرد؟ برای تشخیص اینکه شخصی عضو غیرنظامیان محسوب می‌شود یا ارتش و سایر نیروهای سازماندهی، باید نیاز وی را به حمایت در برابر کشور اخیر ملاک شده، قرار داد. عامل تعیین نظیر عضویت در نیروها یا واحدهای نظامی، موقعیت رسمی فرد، کننده نقش واقعی او در هنگام ارتکاب این جنایت می‌باشد بلکه آنچه حائز اهمیت است، نیست باشد؛ اما در شرایط وقوع جنایت سلاح خود را، اگر موقعیت و شغل فردی نظامی است، بنابراین زمین گذاشته است و در درگیری‌ها سهمی ندارند، می‌تواند شخصی غیرنظامی محسوب شود (نعمتی،۱۳۹۹ :٤).

٤-۲-۱- آپارتاید

بند اول ماده (۷) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به آپارتاید اشاره دارد. واژه آپارتاید از نظر لغوی به معنای جدا نگهداشتن و در واقع به معنای سیستمی از تبعیض نژادی، قومی و جداسازی اجتماعی می‌باشد که غالباً به وسیله طیف اکثریت (حاکم) نسبت به گروه اقلیت اعمال می‌شود و چنین نظامی

غالباً با جداسازی فیزیکی و سرزمینی نژادها و محروم ساختن برخی از نژادها از منافع و خدمات عمومی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. آپارتاید وضعیتی مشابه بردگی را بر مردمی که در چنین شرایطی از حیث نژادی قرار می‌گیرد اعمال می‌نماید. آپارتاید بی‌تردید نقض حقوق بشر محسوب شده و یک جرم بین‌المللی می‌باشد. نمونه بارز و مصداق عینی اقدامات مربوط به آپارتاید را می‌توان در پیشینه تاریخی اقداماتی که در آفریقای جنوبی صورت پذیرفته است مشاهده نمود (ویکتور کوند، ۲۰۰۲ :۱۶[1]). نمونه کنونی این اقدام توسط صهیونیست‌ها با کشیدن دیوار حائل بین فلسطینیان و اسرائیلی‌ها و سایر رفتارهای تبعیض‌آمیز قابل مشاهده است و در ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات منع و مجازات جرم آپارتاید بیان شده است. (کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری،۱۹۷۳) از نظر این کنوانسیون جنایت آپارتاید شامل سیاست‌ها و اعمال مشابه تبعیض نژادی است. شامل اعمال غیر انسانی به منظور استقرار و حفظ سلطه یک گروه نژادی دیگر صورت می‌گیرد و به صورت سیستماتیک آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد (سایت پژوهش،۱۳۹۹).

٤-۲-۱-۱- اعمال نژادپرستی

قتل (قتل یک گروه یا گروه نژادی)، شکنجه بدنی و روحی (رفتارهای غیر انسانی و ظالمانه)، زندانی کردن غیرقانونی (زندانی کردن گروه یا گروه‌های نژادی)، تحمیل شرایط خاص زندگی (تحمیل عمدی شرایط خاص زندگی به منظور از بین بردن آن‌ها)، ممانعت از شرکت در امور کشور (هرگونه اقدام به منظور ممانعت در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ایجاد شرایطی که مانع رشد گروه-های نژادی شود)، مرزبندی نژادی (جداسازی محلی و جلوگیری از ازدواج نژادهای مختلف)، استثمار و بهره‌کشی (وا داشتن به کار اجباری)، تعقیب و محرومیت که تعقیب سازمان‌ها و اشخاص و محروم کردن آن‌ها از حقوق و آزادی هایشان به خاطر مخالفت با آپارتاید (مهرپور،۱۳۸۳ :۹۳-۹۱). به این ترتیب کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جرم آپارتاید را جنایت علیه بشریت و ناقض اصول حقوق بین‌الملل و اهداف و اصول سازمان ملل و تهدید جدی صلح و امنیت بین‌المللی اعلام نموده است.

آپارتاید، جدایی‌نژادی و در واقع نژادپرستی است و به یک معنی شامل مفهوم تبعیض نژادی می‌باشد ولی آنچه در کنوانسیون مزبور مطرح شده است مفهوم و منظور خاصی از نوع تبعیض نژادی

[1]. Victor conde.

بوده که با توجه به آنچه در آفریقای جنوبی در جریان بود، مد نظر قرار داده شد (شریفیان،۱۳۸۰ :۱۳۳ -۱۳٤).

٤-۲-۱-۲- خشونت جنسی

خشونت جنسی هر عملی است که بدون رضایت قربانی انجام گیرد. شامل تجاوز و سوء استفاده و آزار و اذیت جنسی حتی بهره‌کشی جنسی و تن‌فروشی اجباری است. اگرچه قانوناً و به تصریح اسناد بین‌المللی (اساسنامه کنوانسیون دیوان بین‌المللی کیفری) اعمال مصداق خشونت و آزار جنسی باید به صورت اجباری و ناخواسته و بدون رضایت خشونت دیده به وقوع بپیوندد تا از نظر حقوقی به عنوان یک جرم بین‌المللی محسوب گردد اما منظور از اجبار تنها اجبار فیزیکی یا ناشی از تهدید به مرگ نیست بلکه اجبار محیطی ناشی از زمان و مکان (حضور در بازداشتگاه یا تحت محاصره شماری از مأموران) و یا تهدید اعضای خانواده یا سوء استفاده از قدرت علیه اشخاص برای تحقق اجبار مورد نظر کافی است (خزائلی،۱٤۰۱). بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری با دسته‌بندی جنایات خشونت جنسی، انواع آن را توضیح می‌دهد.

٤-۲-۱-۳- ممنوعیت و مجازات آپارتاید

به طور کلی ممنوعیت آپارتاید در منشور ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین مطرح شده است و به طور خاص در کنوانسیون بین‌المللی محو و منع هر نوع تبعیض نژادی مورد تأکید قرار گرفته است. به این ترتیب ممنوعیت آپارتاید و هر گونه نژادپرستی و تبعیض نژادی به گونه‌ای کلی تحت اصل عدم در نظام حقوق بشر امری مسلم و پذیرفته شده است (نیهال جایاویکراما ،۲۰۰۲ : ۱۷٤-۱۷۹[1]). با وجود تمامی این تلاش‌ها در عرصه بین‌المللی باز هم نژادپرستی در برخی نظام‌ها وجود داشته و دارد. لذا در پی ادامه تلاش‌های مداوم و مستمر سازمان ملل متحد برای از بین آپارتاید و سیاست نژادپرستی و جدایی نژادی به ویژه آنچه در کشور آفریقای جنوبی وجود داشت، مجمع عمومی سازمان ملل در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ طی قطعنامه شماره ۳۰٦۸ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جرم نژادپرستی (آپارتاید) را به تصویب رساند. در ماده ۳ این کنوانسیون ضمن جرم‌انگاری این عمل،

[1]. Nihal Jayawickrama.

شرکت یا تشویق و همکاری و توطئه برای ارتکاب این جرم را نیز جرم محسوب نموده و مطابق ماده ۵ کنوانسیون مزبور متهم به این جرم قابل محاکمه در مرجع صالح می‌باشد (مهرپور،۱۳۸۳ :۹٤).

جرم آپارتاید موضوع کنوانسیون‌های بین‌المللی منع و مجازات آن مصوب ۱۹۷۳ که در سال ۱۳٦۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. مطابق آیات و روایات، دین اسلام همه انسان‌ها را در کرامت ذاتی برابر دانسته (اسراء، سوره ۱۷: آیه ۷۰) و همه افراد بشر را در مبدأ خلقت (نساء، سوره ٤ :آیه ۱) و ماده اصلی خلقت (حجر و نحل، سوره ۱۵ و ۱٦:آیه ۲٦ و ٤) و ماهیت و مختصاتی (حجر و ص:آیه ۲۹ و ۷۲) که دارند یکسان دانسته و هیچ گونه تبعیضی را بر اساس نژاد به رسمیت نشناخته و بلکه در نقطه مقابل چنین تبعیضی را به شدت مورد نکوهش قرار داده است. در راستای همین تعالیم اسلامی در ماده ۱ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره) آمده؛ «همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند بدون هیچ‌گونه تبعیضی از لحاظ نژاد یا رنگ یا ...» و در بند د ماده ۲۲ اعلامیه مزبور هم صریحاً بیان شده؛ «برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به بر انگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد جایز نیست.» موضع‌گیری کلی جمهوری اسلامی ایران در قبال این مسأله را نیز می‌توان در بند ۹ و ١٤ اصل سوم قانون اساسی مشاهده نمود که در آن رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها و تساوی عموم افراد ملت در برابر قانون و دادگاه و... جزء وظایف عمده حاکمیت بر شمرده شده و در اصل نوزدهم نیز صریحاً بر برخورداری همه مردم ایران از حقوق مساوی و نفی هر گونه تبعیض بر اساس رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها تأکید شده است. علاوه بر این، دولت جمهوری اسلامی ایران با تصویب مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۱۳٦۳ و تأیید شورای نگهبان به کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جرم نژادپرستی (آپارتاید) (۱۹۷۳) ملحق شده و هیچ‌گونه حق شرطی نسبت به آن اعلام ننموده است (مهرپور،۱۳۸۳ :۹٤).

۵- جنایت علیه بشریت در حقوق کیفری ایران

بند یک ماده ۷ اساسنامه، مجموعه‌ای از جرایم علیه بشریت را عنوان کرده است. در حقوق کیفری ایران، بخش حدود و دیات در کتاب قانون مجازات اسلامی، تعدی به جسم افراد جرم شناخته شده و مجازات مخصوص به خود را دارد. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات و مجازات-های بازدارنده بیان می‌کند: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه

متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و امر مجازات امر قتل را خواهد داشت.» همچنین در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده از (مواد ٦٣٧ تا ٦٤١) در مورد رابطه نامشروع جنسی و تجاوز به عنف و سایر موارد منافی عفت را برای شخص مرتکب جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است.

در ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) عنوان کرده است: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن‌ها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی محکوم خواهد شد.» با توجه به موارد فوق به درستی واضح است جنایت علیه بشریت در قوانین ایران نیز مورد نکوهش قرار گرفته و در حالی که آن را جرم‌انگاری نموده برای مرتکب هم مجازات تعیین کرده و استثنایی قائل نشده است. قابل ذکر است در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۰٦ لایحه‌ای مربوط به جنایات بین‌المللی در دادگاه‌های ایران که نحوه پیگیری، تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات جنگی و تشکیل پرونده و ارجاع آن نسبت به این جرایم مشخص شد. همچنین مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۱/۰۲/۲۹ روش رسیدگی به شکایت‌های جنایات ضد بشریت از جمله نسل کشی و نژادپرستی را به تصویب رساند اما این طرح به خاطر نارسایی‌ها همچنان مسکوت ماند. ماده یک طرح عنوان شده شعبه‌هایی از دادگاه‌ها را برای رسیدگی به جنایات نسل‌کشی و ... اختصاص می‌داد و با توجه به تبصره‌ای که در قسمت دوم عنوان شده بود توجهی به محل اقامت و تابعیت و ... مرتکبین نداشت و در دادگاه محاکمه می‌شدند. ماده یک، نسل‌کشی را همانگونه که در اسناد بین‌المللی آمده بود عنوان کرده بود و بر اساس ماده ۵ تمام متخلفان، طبق قانون مجازات اسلامی مجازات می‌شدند. اما باید به این نکته توجه کرد مصادیق عنوان شده در قانون مجازات یک جرم عادی است نه بین‌المللی و برخی جنایات به کلیت اشاره دارد. همانند انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر. اگرچه طرح مذکور عنوان شده بود اما شامل ایرادهایی نیز بود.

برخی از جرایم، خاص «جامعه بین‌المللی» امکان وقوع آن‌ها در جوامع داخلی وجود ندارد، بنابراین در قانون مجازات ایران قانونگذاران به طور مستقل جنایت‌های علیه بشریت را در قوانین موضوعه جرم‌انگاری نکرده است، ولی جرایمی که می‌تواند از جملهٔ جنایت‌های علیه بشریت باشد در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و برخی مصادیق جنایت‌های علیه بشریت محسوب می‌شود که جرم عمومی به شمار می‌روند. بسیاری از رفتارهای مجرمانه مانند قتل، تجاوز جنسی، حبس کردن، شکنجه، (سلیمی،۱۳۹۳ :٦-٥) اما لاجرم اقدام قانونگذار این بوده که مطابق قوانین داخلی، ایران یکی از اعضای اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری بوده لذا با عنایت به عضویت ایران، اساسنامه به عنوان قانون عادی محسوب شده و مواد اساسنامه مذکور قابلیت اجرایی در قلمرو سرزمینی ایران را دارد ولی مجازات آن با مجازات تعیینی در قانون ایران یکی نیست، لذا اگر دادگاه با صلاحیت کشور ایران بخواهد مرتکبان جنایت نسل‌کشی را مجازات کند مطابق کدام قانون و چه نوع مجازاتی برای آن صادر خواهد نمود. پاسخ این سؤال در چنین شرایطی دشوار خواهد بود (اردبیلی و همکاران،۱۳۸۵ :۹-۲). بنابراین می‌توان بیان داشت که نگاه قوانین کیفری ایران، داخلی و درونی است، هدف این قوانین در حقیقت حفظ انسجام و نظم و امنیت داخلی بوده و جرایم پیش‌بینی شده از جمله جرایمی به شمار می‌روند که اصولاً علیه اشخاص واقع می‌شود، لذا نتیجه می‌گیریم که این اعمال جنایتکارانه در تعریف جنایت‌های علیه بشریت شامل نشده و جایگاهی ندارد، چون تمرکز بر داخل داشته و بیشتر آن، از مصادیق جرایم اشخاص، امنیت داخلی و حاکمیت و آسایش عمومی می‌باشد (سعادت، ۱۳۹۷ :۲۹-۲٦).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، سازمان مجاهدین خلق که در ابتدا از نیروهای انقلابی محسوب می‌شد، به تدریج در تقابل با نظام نوپای جمهوری اسلامی قرار گرفت. این سازمان با تغییر رویکرد از فعالیت سیاسی به اقدامات مسلحانه، از جمله ترور مسئولان جمهوری اسلامی، وارد فاز جدیدی شد. در نتیجه رسیدگی قضایی به پرونده‌های اعضای این سازمان به یکی از مهمترین چالش‌های حقوقی و امنیتی دهه‌های نخست انقلاب تبدیل شد. در دهه ۱۳٦۰، به دنبال افزایش حملات تروریستی منافقین، نهادهای امنیتی و قضایی کشور با استناد به قوانین جاری، از جمله قانون مجازات اسلامی، اقدامات علیه امنیت ملی به محاکمه و مجازات اعضای این سازمان پرداختند. بسیاری از این محاکمات در دادگاه‌های انقلاب صورت گرفت و برخی از متهمان به اتهام «محاربه» و «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم شدند (عبدی،۱۳۹۸ :۸۷). یکی از بحث برانگیزترین دوره‌های

رسیدگی قضایی به پرونده‌های منافقین، مربوط به سال ۱۳٦۷ است، زمانی که در پی حمله گسترده این سازمان به خاک ایران موسوم به «فروغ جاویدان» و اعدام‌های گسترده پس از آن، انتقادات داخلی و خارجی نسبت به نحوه رسیدگی‌ها مطرح شد. مقامات جمهوری اسلامی این اقدامات را دفاع از نظام و امنیت ملی کشور دانستند (قنبری۱۳۹۷: ۱۲۳). در دهه‌های اخیر با کمرنگ شدن فعالیت‌های مسلحانه این گروه و انتقال آن به خارج از کشور، رسیدگی به پرونده‌های منافقین بیشتر جنبه اسنادی، حقوقی و تاریخی پیدا کرده است. همچنین خانواده‌های قربانیان ترورهای این سازمان تلاش‌هایی برای پیگیری حقوقی در مجامع بین‌المللی انجام داده‌اند (نصیری،۱٤۰۰: ٤٥).

در مجموع در برخورد با سازمان مجاهدین خلق در ایران، از منظر حقوقی و سیاسی، همواره یکی از موارد حساس در تاریخ جمهوری اسلامی بوده است. موضوعی که همچنان آثار آن در عرصه سیاست و حقوق بین‌الملل ایران قابل مشاهده است. در نهایت رسیدگی به پرونده‌های منافقین در ایران از منظر حقوقی و سیاسی پیچیدگی‌هایی زیادی داشت و این امر در ایران نشان دهنده چالش‌های بزرگ در مواجه با تهدیدات تروریستی داخلی است. این روند، به رغم انتقادات و چالش‌ها، نشان دهنده تلاش ایران برای مقابله با تروریست است.

نتیجه‌گیری

با گذشت زمان و پیشرفت جوامع در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه علمی، فنی- مهندسی و ... موجب تحول و رشد جوامع شد. پیشرفت جوامع باعث ارتباط افراد با یکدیگر در کشورهای مختلف شد. آنچه مورد اهمیت است وجود حس امنیت و آرامش تمام افراد در هر جامعه بدون هیچ خشونت و تهدیدی است. امنیت زیرساخت همه ابعاد زندگی یک جامعه است. امنیت دارای ابعاد مختلفی از جمله اجتماعی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی و ... است و از نظر سطحی شامل بین‌المللی، منطقه‌ای و ... می‌باشد. زندگی در جهانی همراه با صلح و آرامش با هر قوم و ملتی، بدون هیچ تبعیضی باعث رشد کشورها و پیشرفت آن‌ها می‌شود. زندگی بدون جنگ و خونریزی و بدون نژادپرستی نه تنها موجب ارتباط مؤثر افراد از جامعه‌ای می‌شود بلکه هر کشوری می‌تواند موجب پیشرفت کشورهای دیگر هم بشود. در جامعه بین‌المللی برای بهبود مقابله با جنایت علیه بشریت تقویت صلاحیت و همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) بسیار اهمیت دارد و تأکید بر ضرورت پیوستن همه کشورها به اساسنامه رم، تشویق به همکاری بیشتر کشورها با دادگاه برای اجرای احکام و بازداشت متهمان،

توسعه سازوکارهای منطقه‌ای برای پیشگیری و پیگیری جنایات، مثلاً ایجاد دادگاه‌های منطقه‌ای یا تقویت نقش اتحادیه‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه افریقا یا اتحادیه اروپا در رسیدگی به این جرایم و همچنین افزایش نقش شورای امنیت سازمان ملل در ارجاع پرونده‌ها به ICC به ویژه در مواردی که کشور مرتکب عضو ICC نیست مانند سوریه یا میانمار پیشگیری از جنایت با تمرکز بر آموزش، هشدار زود هنگام و حمایت از نهادهای مدنی زیرا تأکید بر پیشگیری بسیار مؤثرتر و کم هزینه‌تر از پیگیری پس از ارتکاب جرم است.

بازنگری در تعریف جرم و عناصر ضد بشریت برای شمول بهتر موارد نوظهور نیز ضروری است، مانند مهاجرت اجباری ناشی از تغییرات اقلیمی یا تکنولوژی‌های نوین که می‌توانند ابزاری برای جنایت شوند. ایجاد ضمانت اجرای‌های قوی‌تر برای عدم مصونیت از مجازات که شامل رفع خلاءهایی که باعث فرار برخی از رهبران یا مقامات از پیگرد می‌شوند. (مثلاً به دلیل مصونیت سیاسی یا عدم استرداد) بنابراین جنایت علیه بشریت، تهدیدی علیه وجدان جمعی بشر است و پاسخ به آن باید فراتر از مرزهای ملی و بر اساس تعهدات جهانی و همکاری‌های بین‌المللی باشد. همانطور که هر کشوری قوانین مخصوص به خود را دارد و افراد متخلف را مجازات می‌کند باید در مورد جنایت علیه بشریت بدون هیچ استثنایی در مورد همه کشورها انجام شود از جمله نسل‌کشی که در جنگ اسرائیل علیه فلسطین کاملاً واضح است و حتی مواردی مانند تبعیض نژادی در قوانین ایران با توجه به ممنوع بودن آن در قانون اساسی معادلی ندارد و مواردی از جمله تنوع قوم‌ها جرم انگاری نشده و همچنین مواردی مانند حامگلی اجباری، تبعید اجباری جمعیت جرم نمی‌باشد و هیچ گونه ضمانت اجرایی ندارد. لازم است قانونگذار ایران جنایت‌های علیه بشریت را در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری کند چراکه مجازات آن‌ها در قوانین ایران مشخص نیست همانند قتل که در قوانین ایران مجازات آن قصاص و در اساسنامه بین‌المللی کیفری مجازات قتل، حبس است. اما جای سؤال است که در قرنی که صلح و دوستی و آگاهی بشریت است، جنایات علیه بشریت چه جایگاهی دارد؟ آنچه مهم است رشد و پیشرفت کشورهاست نه رفتارهای قرن جاهلیت. برخورد با اقدامات مغایر حقوق بین‌الملل و خودسرانه برخی از مقامات کشورها باید با جدیت تمام در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای وابسته قرار گیرد و عموم مردم و سازمان‌های مردم نهاد مجازات مجرمان را از سازمان‌های بین‌المللی مطالبه نمایند و با شدت با متخلفان برخورد شود تا جهانی عاری از جنایتکاران علیه بشریت داشته باشیم.

منابع

الف) فارسی

۱) قرآن مجید.

۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.

۳) قانون مجازات اسلامی مصوب۱۳۹۲.

٤) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸.

٥) اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹٤۸.

٦) اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۷) امیدی، علی؛ رضایی، فاطمه (۱۳۹۲). «نسل‌کشی و تراژدی بزرگ ارامنه ۱۳۳۳، استدال‌های مخالفان»، نشریه پژوهش‌های تاریخی، دوره ٤۹، شماره ۳، صص٥۷- ۷٦.

۸) اردبیلی، محمدعلی؛ حبیب زاده، محمدجعفر؛ فخر بناب، حسین (۱۳۸٥). «نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱-۲٥.

۹) اخوان، صادق (۱۳۷٥). «دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا سیاست و قانون مجازات نسل‌کشی»، فصلنامه حقوق بشر، شماره ۳، صص ٥٦٤-٥۸۳.

۱۰) بیگی، جمال؛ عباس‌نژاد، جعفر؛ عباسی، محمود (۱٤۰۱). «عقیم‌سازی اجباری اشخاص به مثابه جنایت علیه بشریت و لزوم جرم‌انگاری آن در ایران»، مجله حقوقی پزشکی، دوره ۱٦، شماره ٥۷، صص ٤۳۰-٤٥۰.

۱۱) بیگی، جمال؛ پورقهرمانی، بابک؛ رحمتی ترکاشوند، سجاد (۱٤۰۱). «مطالعه جنایت‌های ارتکابی در میانمار»، فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره ٤، صص ۲۹-٤۲.

۱۲) پوربافرانی، حسن (۱۳۹۱). **حقوق جزای بین‌الملل**، تهران: انتشارات جنگل.

۱۳) جاویدزاده، حمیدرضا (۱۳۹۰). «سیاست‌های پیشگیرانه سازمان ملل متحدد در قبال نسل‌کشی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۳، شماره ۳۳، صص ۱-٤٤.

۱٤) رابرتون، جعفری (۱۳۹۲). **جنایات علیه بشریت**، گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ سوم، مشهد.

۱٥) سلیمی، صادق؛ کاشانی، حبیب (۱۳۹۳). «بررسی انطباق اقدامات رژیم اسرائیل در مصادق جنایت علیه بشریت در سرزمین‌های اشغالی»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۲٤، صص ۱۲۱-۱٤٦.

۱۶) سعادت، هادی (۱۳۹۷). **بررسی حقوقی قتل عام در ایران مطالعه موردی سردشت**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

۱۷) شریفیان، جمشید (۱۳۸۰). **راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد**، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ وزارت امور خارجه.

۱۸) عبدی، عباس (۱۳۸۹). **بررسی نقش سازمان مجاهدین خلق در بحران‌های امنیتی دهه ٦٠**، تهران: مرکز پژوهش‌های سیاسی.

۱۹) قنبری، محمدجعفر (۱۳۹۷). «تحلیلی حقوقی اعدام‌های سال ۱۳٦۷»، مجله حقوق عمومی، شماره ٤٥.

۲۰) کاسسه، آنتونیو؛ گایتا، پائولو (۱٤۰۱). **حقوق بین‌الملل کیفری**، ترجمه حسین پیران، چاپ اول، تهران: فرهنگ نشر نو.

۲۱) نصیری، حمید (۱٤۰۰). **ترور عدالت، پیگیری حقوقی خانواده‌های قربانیان ترور**، تهران: نشر میزان.

۲۲) نعمتی، عطیه (۱۳۹۹). «بررسی جنایت ضد بشریت در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره ٤، شماره ١٤، صص ۱۳۳-١٤٩.

۲۳) مهرپور، حسین (۱۳۸۳). **نظام بین‌المللی حقوق بشر**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.

۲٤) ورله، گرهارد (۱۳۸۷). «جنایت‌های علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»، ترجمه امیر ساعد، مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۳۹، صص ۵۹-۱۰۰.

ب) لاتین

25) Cassese A (2008). **International Criminal Law**, Translated by Piran H, Amir Arjmand A, Mousavi Z. 1st ed. Tehran: Jungle, Javadan Publications, p.98-99.
26) Luban, David (2004). "**A Theory of Crimes Against Humanity**", Georgetown Law Faculty Publications and Other Works.
27) Victor conde (2002). **A Handbook of International Human Rights Terminology** ،Second Edition & ،newyork.
28) Nihal Jayawickrama (2002). **the Judicial Application of Human Rights law National** ،**Regional and International Jurisprudence** ،Cambridge University press ،first published.
29) Unhted Nations (1993). **statue of the international criminal tribunal tribunal for the former Yugoslavia**.
30) Schabas W.A (2010). **An introduction to the international criminal court**, cambridge university press.
31) Unhted Nations security council (1994). Resolution 955 (1994).

32) Schabas .W.A (2005). **An introduction to the international criminal court**, cambridge university press.
33) Investigation of crime against humanity and its criminalization in international criminal law and Iranian laws.